

گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرآنی*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و محمد امینی تهرانی***

چکیده

علم قرآنی مانند هر علم دیگر دارای منابعی است. منابع این علم، به لحاظها و معیارهای متعددی قابل ارائه و بررسی است. نظام‌مندی و تقسیم‌بندی دقیق این منابع به علل متعددی دشوار است. ارتباط علم قرآنی با علوم بسیار است. رویکردهای مختلف دانشمندان در تألیف، وجود علوم پیش‌نیاز و آلی برای فراگیری قرآنی، وجود نگرش‌ها در مسائل جزئی مربوط به علمی خاص، وجود مطالب قرآنی در ضمن کتب مربوط به دانش‌های دیگر (تفسیر و علوم قرآنی)، و تألیفات بسیار زیاد در موضوع قرآنی از جمله این علل است. نگارنده در این نوشتار بر آن است تا با بررسی منابع علم قرآنی به صورت مختصر، به گونه‌شناسی و تقسیم‌بندی آنها بر اساس علوم مورد نیاز پردازد که در قسمت اول کلیاتی درباره منبع‌شناسی علوم و فنون قرآنی مطرح گردیده و ده گونه تقسیم‌بندی برای منابع قرآنی بر اساس ده ملاک مختلف معرفی و پیشنهاد شده است. در پایان نیز به معرفی مهم منابع علم الرسم قرآن کریم پرداخته شده است. معرفی کتب مهم علم الرسم، بررسی مهم کتب منظوم در این موضوع و بررسی شیوه نگارش کتب علم الرسم از مباحث این قسمت می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، قرآنی، علوم و فنون، گونه‌شناسی، علم الرسم.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۶ و تاریخ تأیید: ۹۴/۴/۲۵.

** استاد جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): rezaee@quran.com

*** دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: Amini63chmail.ir

مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی بندگان و سندی بر حقانیت پیامبر آخرالزمان و گنجینه‌ای بی‌کران از علم الهی است. بی‌گمان، مقدمه روش استفاده صحیح از این کتاب الهی، کیفیت صحیح قرائت آن است. این امر نیز به فراگیری علم قرائت منوط است. طی قرن کتب متعددی به منظور فهم دقیق قرائت قرآن کریم و مسائل مربوط به آن به نگارش در آمده است. بهره‌وری صحیح از منابع گران‌بهای مربوط به علوم و فنون قرائت مرهون آشنایی دقیق با این منابع و دسته‌بندی آنهاست تا محقق این علوم بر اساس نیاز و جایگاه خود از این منابع سرشار استفاده نماید.

با مروری بر منابع تألیف شده در زمینه علوم و فنون قرائت روشن می‌شود که تقسیم‌بندی این منابع کاری بسیار دشوار و دقیق است. ارتباط علم قرائت با علوم بسیار، رویکردهای مختلف دانشمندان در تألیف، وجود علوم پیش‌نیاز و آلی برای فراگیری قرائت، وجود نگارش‌های کل‌نگرانه و جزء‌نگرانه، وجود مطالب قرائت در ضمن کتب مربوط به دانش‌های دیگر مانند تفسیر و علوم قرآنی و تألیفات بسیار زیاد در موضوع قرائت، از عوامل مهم این دشواری به شمار می‌آیند.

علم قرائت خود به پیدایش و شکل‌گیری علوم دیگری مانند تجوید، وقف و ابتدا، اعراب قرآن، فضائل قرآن، صوت و لحن و علم الاصوات و نگارش آثاری اختصاصی منجر شده است (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۴۵).

علوم دیگری نیز مستقیم یا غیر مستقیم با علم قرائت در ارتباطند؛ علوم از قبیل: تاریخ، حدیث، تفسیر، موسیقی، طب، علوم قرآن، خط، هنر، نسخه‌شناسی، ادبیات عرب، استشرق، رجال، فقه.

از دیدگاه برخی از محققان، بسیاری از این علوم علمی هستند که قرآن کریم مستقیم یا غیرمستقیم باعث پیدایش یا رشد آنها گردیده است (رضایی اصفهانی، دانش مهر، ۱۳۸۵: ۲۰).

با مطالعه آثار موجود این نتیجه برداشت می‌شود که مؤلفان کتب مربوط با رویکردهای مختلفی به علوم و فنون قرائت توجه داشته‌اند؛ برای مثال، در موضوع تجوید گاهی نگاه نویسندگان در بررسی تجوید از دیدگاه زبان‌دانان عرب و دانشمندان اسلامی است (ر.ک: موسوی بلده، حلیه القرآن (سطح ۲)، ۱۳۸۵)، گاهی نگاه او به دانش طب است (ر.ک: ابن

سینا، اسباب حدوث الحروف، ۱۳۴۸). گاهی نیز با نگاه به علم الاصوات و جمع میان نظریه‌های دانشمندان علم تجوید و پزشکی و علم الاصوات به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای کتابی را تدوین می‌نماید (ر.ک: ستوده‌نیا، بررسی تطبیقی تجوید و آواشناسی، ۱۳۸۸).

دانش قرائات از جمله علمی است که برای فراگیری آن علمی مختلفی به عنوان مقدمه باید فرا گرفته شود. از سویی دیگر، خود این علم مقدمه‌ای برای علوم دیگر به شمار می‌رود؛ علمی همچون رسم الخط و تجوید، علمی آلی و مقدماتی برای دانش قرائات است. یادگیری این علوم سبب می‌شود تا فهم قرائات قاریان و نحوه قرائت بر اساس اصول هر قرائت آسان‌تر گردد.

در هنگام تقسیم بندی منابع قرائات ملاحظه می‌شود که در یک علم و موضوع مشخص، آنچه مورد دقت نویسندگان آن علم است، شاکله کلی آن علم است. در عین حال، نویسنده از توجه به مسائل آن علم نیز غافل نیست. اما گاهی نویسندگانی به جهت تعمق بیشتر و تحلیل عمیق‌تر، قسمتی از آن علم را مورد دقت خود قرار می‌دهند؛ برای مثال، در بحث قرائات توجه به اصول قرائات و تحلیل رویکردهای آنان مورد توجه ابن جزری در کتاب *النشر* است (ر.ک: ابن جزری، *النشر فی قرائات العشر*، ۱۴۳۴). درباره تحلیل جزئی درباره دیدگاه قاریان مشهور با شاذ نیز کتاب‌های بسیاری تألیف یافته است؛ برای نمونه، کتاب *النجوم الطوالع علی الدرر اللوامع فی اصل مقرأ الامام النافع* به بیان اصول و قواعد قرائت نافع پرداخته است.

زمانی محدوده و قلمرو کتب علوم و فنون قرائات توسعه بیشتری می‌یابد که مسائل این علوم در ضمن کتب دیگر مطرح شود.

برخی از دانشمندان علم تفسیر بر حسب ضرورت مکانی و زمانی یا علاقه و تسلط خود بر قرائات، به طرح مباحث قرائات در ضمن تفسیر خود پرداخته‌اند؛ مانند شیخ طوسی در *التبیین*، طبرسی در *مجمع البیان* و زمخشری در *الکشاف* (طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بی‌تا: ۱/ ۴۴، طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۳۷۲ش: ۱/ ۱۱۵؛ زمخشری، *الکشاف*: ۱۴۰۷ ق، ۱/ ۱۶).

با ملاحظه منابع علم قرائات و مقایسه با منابع دیگر علوم به جرئت می‌توان گفت علم قرائات با سابقه‌ترین، پرمایه‌ترین، مهم‌ترین، تنومندترین و پر تألیف‌ترین شاخه علوم قرآن است. با مراجعه به برخی فهرست‌نگاری‌ها می‌توان به این امر مهم دست یازید (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۴۵).

بر همین اساس، نگارنده بر آن است تا با ارائه تقسیم‌بندی‌های مختلف و گونه‌شناسی منابع قرائت گامی در این امر مهم بردارد تا از این طریق راه برای فعالیت‌های جدیدتر و دقیق‌تر محققان فراهم گردد.

اصطلاح‌شناسی

علم القرائات

این اصطلاح در میان علمای علم قرائات این گونه تعریف شده است: هر علم که به معنی علم النطق بالكلمات القرآنیة، و طریق أدائها اتفاقاً و اختلافاً مع عزو كل وجه لناقله؛ یعنی علم قرائت علمی است که به وسیله آن کیفیت ادا و تلفظ کلمات قرآن کریم و روش ادای آن، چه به صورت متفق میان قراء و چه به صورت اختلافی همراه با استناد آن به ناقلش معرفی می‌گردد (الباز، مباحث فی علم القرائات مع بیان اصول روایه حفص، ۱۴۲۵ق: ۳۹).

علم الرسم

رسم در لغت به معنای اثر و نشان است. از دیگر معانی آن خط و نگارش است (ابن درید، جمهره اللغة، ۱۹۸۸م: ۲ / ۷۲۰). رسم در اصطلاح علوم قرآنی به معنای نگارش به دو نوع تقسیم می‌شود: رسم قیاسی و رسم توقیفی. رسم قیاسی همان چیزی است که امروزه به آن قواعد الاملاء گفته می‌شود، اما رسم توقیفی عبارت است از نحوه نگارش ویژه کلمات قرآن کریم و منظور از نگارش ویژه، نگارش خاصی است که با قواعد املائی عربی و رسم قیاسی متفاوت است؛ مثلاً کلمه شیء (کهف/ ۲۳) در قرآن کریم به صورت «شای» نوشته می‌شود.

پیشینه منبع‌شناسی

بررسی منابع مربوط به علوم و فنون قرائات و تحلیل آنها به صورت موضوعی کاری نو و بدیع است، اما به صورت‌های دیگر تا حدودی مورد توجه مؤلفان و صاحب‌نظران این رشته بوده است.

برخی از نویسندگان در فصل یا مقدمه کتاب خود به بررسی کتب مربوط پرداخته و آنها را معرفی نموده‌اند؛ برای مثال، ابن جزری در مقدمه کتاب خود با عنوان *النشر فی القرائات العشر* به معرفی ۵۰ کتاب در این زمینه پرداخته است (ابن جزری، *النشر فی القرائات العشر*، ۱۴۳۴ق: ۵۰).

کتاب تاریخ قرائات نیز از جمله منابعی است که در رسیدن به اسامی کتب و علت تألیف آنها راه‌گشاست. این کتب به بررسی تاریخ پیدایش قرائات و تطور آنها، مصادر و مآخذ قرائات، کیفیت رشد قرائات، علت ایجاد اختلاف در قرائات و رشد قرائت تا به امروز می‌پردازد. هر چند این قبیل مطالب در ضمن بسیاری از کتب مربوط به قرائات موجود است، اما به صورت مستقل نیز کتاب‌هایی در این زمینه تألیف شده است. از جمله این کتب می‌توان به کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم* اثر دکتر عبدالهادی فضل‌ی با ترجمه محمد باقر حاجتی اشاره کرد که در هفت فصل تدوین یافته است. وی در کتاب خود ادوار قرائت را به یازده مرحله تقسیم و در هر مرحله تألیفات و رویکرد دانشمندان قرائت را به بحث نشسته است (فضل‌ی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۲۱). کتاب *تاریخ القرائات فی المشرق و المغرب* از محمد مختار ولد اباه نیز از جمله این کتب به شمار می‌آید. همچنین کتاب *علم القرائات* از نبیل بن محمد ابراهیم آل اسماعیل نیز در ضمن بحث از تاریخ قرائات به معرفی کتب مربوط به قرائات پرداخته است.

برخی از منابع در کنار معرفی قراء و دانشمندان این عرصه به معرفی کتب آنان پرداخته‌اند. این دسته از کتب معمولاً با عنوان «طبقات القراء» تألیف شده‌اند. علم رجال در مباحث فقهی و تفسیری راه‌گشاست و باعث می‌شود تا از طریق آن به قوت یا ضعف سند حدیث پی برده شود. در این مباحث طبقاتی برای رجال حدیث بر اساس زمان حیات مؤلف، اساتید و شاگردان وی تعریف می‌گردد. در علم قرائات نیز بحث به همین منوال است، ولی در این قبیل منابع، طبقات قراء و راویان آنها مورد بحث قرار می‌گیرد.

کتاب *معرفة قراء الکبار علی الطبقات و الاعصار* از شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (م ۷۴۸ق) که در چهار مجلد تألیف گردیده است، از جمله منابع مهم در این زمینه به شمار می‌آید. وی در کتاب خود هجده طبقه از قاریان و تعداد قاریان در هر طبقه را مورد اشاره قرار داده است و در ضمن آن کتاب‌هایی را نیز که از سوی آنان تألیف شده، معرفی نموده است. از دیگر کتب در این باره کتاب *غایه النهایه فی طبقات القراء* از محمد بن محمد دمشقی معروف به ابن جزری (م ۸۳۳ق) است. وی در این کتاب بر اساس حروف الفباء به معرفی قاریان و تألیفات آنان پرداخته است.

از دیگر منابع کتاب ارزشمند *التمهید فی علوم القرآن* اثر آیت الله محمد هادی معرفت است مؤلف در جلد دوم این کتاب به بررسی احوال قاریان و تألیفات مهم در این زمینه اشاره کرده است (معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ۱۴۲۵ق: ۲/ ۲۰).

لازم به ذکر است، کتبی که در تاریخ قرآن تألیف شده‌اند نیز به شکل مفصلی به این امر پرداخته‌اند. در این کتب به بررسی تاریخ و سرگذشت قرآن و مصحف آن از زمان نزول تا به امروز بحث می‌شود (حجتی، تاریخ قرآن کریم، ۱۳۸۱: ۱۷) از جمله این کتب می‌توان به تاریخ قرآن از نولدکه، تاریخ قرآن اثر محمود رامیار و تاریخ قرآن از محمد باقر حجتی اشاره کرد که در آنها در بحث از قرائات قرآن کریم به برخی از آثار مهم در این موضوع شده است (ر.ک: حجتی، تاریخ قرآن کریم، ۱۳۸۰).

یک - ملاک‌های تقسیم‌بندی منابع علوم و فنون قرائات

منابع مربوط به علوم و فنون قرائات را می‌توان با در نظر گرفتن ملاک‌های متعدد به اقسام گوناگونی تقسیم نمود. نتیجه آن ملاحظه منابع مورد بحث از روایای متعدد و آشکار شدن زوایای گوناگون کتب مربوطه است. حال، ده نوع مختلف از تقسیم‌بندی منابع علوم و فنون قرائت پیشنهاد می‌شود که بر اساس آن می‌توان به بررسی کتب مربوط به هر موضوع پرداخت. در عین حال ادعا نمی‌شود که این تقسیم‌بندی تنها تقسیم‌بندی موجود است.

۱. تقسیم‌بندی به اعتبار علوم

با توجه به این نکته که هر کدام از منابع مربوط، در حیطه و گستره خاصی از لحاظ علمی است، می‌توان گونه‌شناسی منابع را بر اساس علوم خاص تقسیم‌بندی نمود. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، علم قرائت خود به پیدایش و شکل‌گیری علوم دیگر و نگارش آثاری اختصاصی منجر شده است. تجوید، وقف و ابتداء، اعراب قرآن، فضائل قرآن، صوت و لحن و علم الاصوات، تاریخ، حدیث، تفسیر، موسیقی، طب، بلاغت، علوم قرآن، خط، هنر، نسخه‌شناسی، ادبیات، استشرق، رجال، فقه از جمله این علوم به شمار می‌آیند (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۴۵).

ثمره این روش در دروس دانشگاهی آشکار می‌شود؛ چرا که در هر رشته، علوم مربوط به آن بررسی می‌شود که در این صورت، دانشجوی هر رشته ارتباط علم و رشته خود را با رشته علوم و فنون قرائت بهتر درک می‌نماید.

۲. به اعتبار استقلال منابع

در این نوع تقسیم‌بندی منابع مستقل قرائات از منابعی که در ضمن آنها بحث از قرائات مطرح شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ برای نمونه، باید گفت در کنار تألیفات مستقل مربوط به علم قرائت مانند کتاب *النشر فی قرائات العشر* از ابن جزری، نگارندگان علوم قرآنی نیز در ضمن کتب علوم قرآنی، بخش‌های مفصلی را به این مباحث اختصاص داده‌اند. *التمهید آیت الله معرفت، البیان آیت الله خویی، البرهان بدرالدین محمد زرکشی، الاتقان فی علوم القرآن سیوطی و کتاب مناهل العرفان زرقانی* از این نمونه است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۷ش: ۱۷۷؛ معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ۱۴۲۵ق: ۳/۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۳۰ق: ۱/۴۱۵؛ سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ۱۳۸۰ش: ۱/۲۳۲-۲۸۹؛ زرقانی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ۱۳۸۵: ۴۱۱ و ۴۶۵).

۳. به اعتبار تحلیل یا توصیفی بودن

در این تقسیم‌بندی منابعی که فقط به توصیف قرائات و نقل آنها می‌پردازند، از منابع دیگری که علاوه بر نقل به توضیح و تحلیل قرائات می‌پردازد و یا منابعی که فقط نمونه‌های از قرائات را نقل می‌کنند، جدا می‌گردند.

برای مثال، در زمینه تجوید قرآن کریم، برخی از کتب به تحلیل نکات تجویدی و ریشه‌یابی آنها و بیان اقوال در این زمینه پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر از کتب فقط به بیان قواعد تجوید و مثال‌هایی از قرآن کریم قناعت نموده‌اند. البته هر کدام بر اساس مخاطب‌شناسی خاصی تألیف گردیده است.

کتاب‌هایی همچون *التمهید فی علم التجوید* از امام محمد بن محمد جزری و *احکام قرائة القرآن الکریم* از محمود خلیل الحصری نمونه‌هایی از کتب تحلیلی و کتاب‌هایی مانند *اجود القرائات* از شمس‌الدین حاج حسینی، *احسن التجوید لتلاوة القرآن المجید* از حسن طالبی تربتی از جمله کتب غیر تحلیلی در این باره به شمار می‌آیند.

۴. به اعتبار جایگاه نویسندگان و مؤلفان

در این گونه از تقسیم‌بندی منابعی که به قلم توانای بزرگان قرائت مانند ابن جزری و ابوعمر دانی نگاشته شده، تحلیل و مقایسه می‌شوند. شانزده تألیف ابن مجاهد (۳۲۴ق)، ده تألیف ابن غلبون (۳۸۹ق)، سیزده عنوان تألیف از مکی بن ابی طالب (۴۳۷ق)، بیست و هفت

عنوان تالیفی از ابو عمرو دانی (۴۴۴ق)، بیست و سه عنوان تالیف از ابن جزری (۸۳۳ق)، از جمله آثاری است که می‌توان در این قسمت به بررسی آنها اقدام نمود و یا به صورت تطبیقی مشترکات و افتراقات آنها را استخراج نمود (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۵۲).

۵. مذهب مؤلفان: شیعه و سنی، مسلمان و غیر مسلمان (مستشرقان)

در این قسمت، منابع، بر اساس دین یا مذاهب مؤلفان تفسیم‌بندی می‌شود. بررسی آثار مستشرقان در اطراف علوم و فنون قرائت، تأثیر دانشمندان شیعه در رشد مباحث قرائت و کیفیت و کمیت آثار اهل سنت در علوم و فنون قرائت از نتایج این قسمت از بررسی‌ها به شمار می‌آید. کتاب‌هایی همچون *القرآن الکریم فی المنظور الاستشراقی دراسه نقدیه و تحلیلیه* تألیف محمد محمد ابو لیله (معاصر) و *رسم المصحف العثماني و اوهام المستشرقین فی قرائات القرآن الکریم دوافعها و دفعها* از عبدالفتاح اسماعیل شلیبی (معاصر) از جمله آثاری است که به بررسی فعالیت‌های مستشرقان در این باره پرداخته است.

۶. به اعتبار زمان نگارش

در این نوع از تقسیم‌بندی، منابع را می‌توان به متقدم یا دسته اول و منابع متأخر یا دسته دوم تقسیم نمود یا بر اساس سیر تاریخی، منابع را بر اساس قرن اول، دوم، سوم، تقسیم‌بندی نمود. در شکل دیگری از این بررسی می‌توان منابع مربوط به یک زمان خاص مثلاً قرن چهارم را مورد تحلیل قرار داد و در تکمیل آن، تأثیر آن را بر دیگر قرون و تأثیرپذیری آن را از قرون پیش از آن به بحث نشست. از جمله آثار این نوع بررسی، به دست آوردن میزان رشد یا افول یا صعود مباحث علم قرائت است. در کنار آن می‌توان به تحقیق درباره علل آن نیز پرداخت.

۷. به اعتبار شرح و غیر شرح

در این قسمت منابعی که محور شرح قرار گرفته و شروح زیادی بر آنها نوشته شده است و همچنین شروح آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

از آثار مهم قرن ششم تألیف کتاب *حرز الامانی و وجه التهانیه* معروف به شاطبیه متعلق به ابو محمد شاطبی (۵۹۰ق) است که محتوای *التیسیر دانی* را در قالب ۱۱۷۳ بیت به نظم کشیده است. پس از تألیف این قصیده، شرح‌های زیادی بر آن نگاشته شده است. کتاب *الوافی فی شرح الشاطبیه* نوشته عبدالفتاح عبدالغنی القاضی از جمله آثار در این باره است که در ۷۸ باب بر اساس موضوعات ابیات تألیف گردیده است.

۸. به اعتبار موضوع کلی یا جزئی

در این نوع از تقسیم‌بندی، منابعی که رویکردی کلان و کلی به علم مورد نظر خود یا رویکردی جزئی داشته‌اند، مد نظر قرار می‌گیرد. برخی از نویسندگان کتب قرآنی با توجه به اصول، مبانی و قواعد کلی حاکم بر قرائات دست به نگارش کتاب زده‌اند؛ مانند ابن جزری در کتاب *النشر*. برخی از نویسندگان احتجاجات و دلائل برتری برخی از قرائات بر برخی دیگر را مد نظر قرار داده‌اند که این مطلب در کتاب *الحججه فی علل القرائات السبع* از فارسی و ابن خالویه قابل ملاحظه است. گروهی نیز محور نگارش خود را قرائات چهارده‌گانه قرار داده‌اند؛ مانند دمیاطی در کتاب *اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربع عشر*. عده‌ای نیز مانند حلبی در کتاب *التذکره فی القرائات الثمان* بر هشت قرائت تکیه کرده‌اند. عده‌ای نیز بر محور یک قرائت و بیان اصول آن و انفرادات آن نسبت به قرائات دیگر تمرکز نموده‌اند. تبیین وجوه قرائات شواذ نیز مورد توجه عده‌ای مانند ابن جنی در کتاب *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات* بوده است. جمع‌آوری تمام قرائات اعم از شاذ و غیر آن نیز مورد توجه برخی مانند عبداللطیف خطیب در کتاب *معجم القرائات* بوده است.

۹. به اعتبار توضیح و تبیین اصطلاحات

در این قسم، منابع مربوط به شرح اصطلاحات علوم و فنون قرائت بررسی می‌شود. برخی از نویسندگان به تفصیل یا اجمال به تبیین اصطلاحات این علوم پرداخته‌اند. کتبی همچون *أشهر المصطلحات فی فن الأداء و علم القراءات* از احمد محمود عبدالسمیع شافعی حفیان و کتاب مختصر *العبارات لمعجم مصطلحات القرائات* از ابراهیم بن سعید دوسری از جمله این کتب به شمار می‌آیند.

۱۰. به اعتبار منظوم یا غیر منظوم بودن

در این قسم منابع منظوم دانش قرائات و شروح آنها مد نظر قرار می‌گیرد. این‌گونه منابع بسیارند و همین امر باعث شده تا دیگران، شرح‌های بسیاری برای تبیین ابیات آنها به نگارش در آورند. از جمله این کتب می‌توان به کتاب *حرز الامانی و وجه التهانی* معروف به شاطبیه متعلق به ابو محمد شاطبی (۵۹۰ق) اشاره کرد که محتوای *التیسیر* دانی را در قالب ۱۱۷۳ بیت به نظم کشیده است. همچنین کتاب *عقیله اتراب القصائد فی اسنی المقاصد* مشهور به الرائیه در موضوع رسم المصحف از ابوالقاسم شاطبی بن فیره (۵۹۰ق) و کتاب *مورد الضمان فی رسم أحرف القرآن* از خراز محمد بن محمد بن ابراهیم اموی شریشی (۷۱۸ق) از جمله این کتاب‌ها است که به نظم در آورده شده است.

دو- بررسی و تقسیم‌بندی منابع علم الرسم

درباره پیدایش علم الرسم به طور دقیق نمی‌توان زمان دقیقی را مشخص نمود. هیچ یک از منابع علم الرسم در مورد چگونگی کتابت قرآن یا آیات آن در زمان پیامبر ﷺ مطلبی بیان نکرده‌اند. نسبت به زمان سه خلیفه اول نیز امر به همین منوال است؛ هر چند برخی از منابع روایی احادیثی درباره نحوه کتابت از رسول خدا ﷺ و از امیر المؤمنین علیؓ نقل کرده‌اند: «رسولُ الله ﷺ: أَلِفُ الدَّوَاةِ، وَ حَرْفُ الْقَلَمِ، وَ أَنْصَبِ الْبَاءِ، وَ فَرَّقِ السَّيْنَ، وَ لَا تُعَوِّرِ الْمِيمَ، وَ حَسَّنِ اللَّهَ، وَ مَدَّ الرَّحْمَنَ، وَ جَوَّدِ الرَّحِيمَ» (سیوطی، الدر المنثور، ۴۰۴ق: ۱/ ۱۰)؛ «یعنی دوات را لایقه بگذار، قلم را کج برش زن، حرف باء [در بسم الله الرحمن الرحيم] را بکش، سین را باز بنویس، میم را شکم نده، الله را زیبا بنویس، رحمان را بکش و رحیم را نیکو بنویس».

کتاب‌هایی که در زمینه علم الرسم به نگارش در آمده‌اند، می‌توان بر اساس ترتیب تاریخی، اهم کتب علم الرسم، کتب شعر و منظوم در علم الرسم، شیوه نگارش کتب و کتب مشاهیر، مورد بررسی قرار داد.

۱. اولین مصنفات در علم الرسم

درباره اولین مؤلفات در علم الرسم اقوالی نقل شده است. برخی بر اساس قول دانی در مقدمه کتابش با نام المحکم اولین کسی را که در نقط و رسم دست به تألیف زده است، خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰ ق) می‌دانند (غدوری الحمد، رسم المصحف، ۱۴۲۵ق: ۴۰۳). در برخی از کتب نیز کتابی با عنوان کتاب فی التقط یا وضع رموز الضبط الداله علی الحركات و التنوین به ابوالاسود دولی (۶۹ ق) نسبت داده شده است (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

به دنبال این تألیف، کتاب‌های دیگری نیز در قرن دوم تا پنجم تألیف گردید. کتاب المقطوع و الموصول فی القرآن از عبدالله بن عامر یحصبی (۱۱۸ ق)، رسوم المصحف از ابوعمر بن علاء (۱۴۵ ق)، رسم القرآن از محمد بن عیسی، ابوعبدالله اصبهانی، (۲۵۳ ق)، المصاحف از ابن سجستانی (۳۱۶ ق)، از جمله این تألیفات به شمار می‌آیند. از دیگر کتب تألیف شده در این زمینه می‌توان به کتاب الرد علی من خالف مصحف عثمان از ابوبکر بن محمد بن انباری (۳۲۸ ق) و البدیع فی معرفه ما رسم فی مصحف عثمان بن عفان از محمد بن یوسف جهنی (۴۴۲ ق) اشاره داشت. این کتاب به نام البدیع فی الرسم العثماني فی المصاحف الشریفه و البدیع فی الهجاء و الترصیع به صورت خطی وجود دارد (نجاح، مختصر التبیین لهجاء التنزیل، ۱۴۲۳ق: ۱/ ۱۶۹).

تألیف درباره رسم مصحف با کتاب‌هایی که ابوعمر و عثمان بن سعید اموی دانی نوشت، به اوج خود رسید. او در زمان خود به ابن صیرفی شهرت داشت و به تعبیر ابن جزری او امام حافظ و استاد اساتید و شیخ مشایخ قاریان بود. دانی در این باره کتاب‌های متعددی نوشته است تا جایی که لیبب گفته است: «برای ابوعمر و دانی در برنامه‌ای صد و بیست تألیف دیدم که یازده کتاب آن درباره رسم بود. کوچک‌ترین آنها *المقنع می‌باشد*». مشهورترین کتاب شناخته شده دانی و بلکه مشهورترین کتاب درباره رسم به طور کلی، کتاب *المقنع فی معرفه مرسوم مصاحف اصل الامصار* است که در آخر آن مطلبی آمده که می‌فهماند کتاب نام دیگری هم دارد؛ آنجا که می‌گوید: «کتاب *الهجاء فی المصاحف* با سپاس خداوند و حسن کمک او پایان یافت». به نظر می‌رسد که این نام فقط توصیفی برای کتاب است؛ زیرا نام آن در بیشتر مصادر، همان *المقنع می‌باشد* (غدوری، ترجمه رسم المصحف، ۱۳۷۶: ۱۵۸).

دانی به جز *المقنع* کتابی به نام *الاقتصاد* دارد که آن هم درباره رسم و به صورت ارجوزه‌ای در یک مجلد است. نیز درباره نقطه‌گذاری مصاحف دو کتاب *المحکم و النقط* را دارد. کتاب‌های دیگری نیز از دانی با عنوان *رسم المصحف، النقط و الضبط فی القرائات و رسم المصاحف و مختصر مرسوم المصحف* در زمینه علم الرسم به رشته تحریر در آمده است (اقبال، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

سلیمان بن نجاح ابو داود بن ابی القاسم اندلسی (۴۹۶ ق) شیخ قاریان و پیشوای قرائت از ابوعمر و دانی اخذ قرائت کرد و در التزام او بود و بیشتر تألیفات او را از وی شنید و تألیفات او را درباره قرائت از او اخذ کرد. او که شاگرد برجسته دانی بود، کتاب جامعی در شش جلد درباره رسم تألیف کرد که *التبیین لهجاء التنزیل* نام دارد. وی گزیده‌ای از این کتاب را برگرفته و آن را *التنزیل فی هجاء المصاحف* نامیده است. ابن عاشر انصاری گفته است که ابوالحسن علی بن محمد مراوی کتابی درباره رسم دارد که به صورت منظوم است به نام *المصنف* که آن را در سال ۵۶۳ ق تکمیل کرده است. این کتاب یکی از منابع خراز در منظومه *مورد الظمان می‌باشد* (الغدوری، ترجمه رسم المصحف، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

جنبش کتاب‌نویسی درباره رسم مصحف در اینجا متوقف نشد، بلکه تألیفات دیگری هم وجود دارد که خارج از محدوده «العقیله» و «المورد» می‌باشد. ابوالعباس احمد بن محمد بن عثمان مراکشی معروف به ابن البناء (۷۲۱ ق) کتابی نوشته و آن را *عنوان الدلیل فی مرسوم خط التنزیل* نامیده است. او این کتاب را در توجیه مواردی از رسم مصحف نوشته که با قواعد خط مخالف است.

همچنین محمد بن محمود بن محمد بن احمد شیرازی (متوفی حدود ۷۸۰ ق) کتاب کشف الاسرار فی رسم مصحف الامصار را نوشته است و از نام آن چنان به نظر می‌رسد که درباره تعلیل و توجیه رسم الخط مصحف است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۸۰: ۲/۴۰۳).

۲. بررسی اهم مصنفات منظوم و شروح آنها در علم الرسم

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برخی از مؤلفان، معارف موجود در علم الرسم را در قالب شعر و نظم ارائه نموده‌اند. در واقع، باید گفت تلاش این دانشمندان پیرامون دو اثر متمرکز شده که مردم به آنها دلبستگی پیدا کرده و آنها را می‌خوانده‌اند. این دو اثر عبارت بودند از دو قصیده درباره رسم مصحف، یکی از قاسم بن فیره بن خلف شاطبی (۵۹۰ ق) و دومی از محمد بن محمد بن ابراهیم ابو عبد الله شریشی معروف به خراز (۷۱۸ ق). در ادامه به معرفی این دو اثر می‌پردازیم.

از جمله این کتب می‌توان کتاب عقيله اتراب القوائد فی اسنى المقاصد مشهور به الرائیه فی الرسم از ابوالقاسم شاطبی بن فیره (۵۹۰ ق) را معرفی نمود. این کتاب در مطبعه طوخی در مصر در سال ۱۳۰۲ ق به چاپ رسید. تعداد ابیات این قصیده دویست و شش بیت است. این قصیده از مهم‌ترین منابع رسم الخط قرآن کریم به شمار می‌رود. شاطبی در این منظومه کتاب المقنع فی معرفه مرسوم خط المصاحف نوشته ابو عمرو دانی را به نظم آورده است. از این رساله منظوم نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های جهان موجود است که چهار نسخه آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

چاپ‌های مختلفی نیز از این قصیده و شروح آن صورت گرفته است. نخستین شرح، شرح شاگرد شاطبی، امام سخاوی (۶۴۳ ق) است. سپس ابوبکر بن ابی محمد عبدالله مشهور به لیبب آن را شرح کرده است.

کتاب‌های دیگری نیز به عنوان شرح یا حاشیه بر این کتاب به رشته تحریر در آمده است. از جمله کتاب الوسيله الی کشف العقيله از علی بن محمد بن عبد الصمد سخاوی است که این کتاب در الازهر موجود است (سیوطی، طبقات المفسرین، بی تا: ۷۲).

کتاب شرح القصیده الرائیه از ابی عبد الله محمد بن قفال شاطبی (۶۹۱ ق)، الابحاث الجميله فی شرح العقيله جعبری (۷۳۲ ق)، از شرح‌های این قصیده به شمار می‌آیند. همچنین کتاب دیگری با نام جميله ارباب المراضد فی شرح عقيله اتراب المقاصد از جعبری نام برده شده است. کتاب جعبری با نام تعرید الجميله لمنادمه العقيله خلاصه گردیده است.

تلخیص الفوائد و تقریب المتباعد فی شرح عقيله اتراب المقاصد از علی بن ابی علی ابوالبقاء (۸۰۱ ق) از دیگر کتب مربوط است که همین کتاب توسط قاصح علی بن عثمان به محمد (۸۰۱ ق) با نام شرح تلخیص الفوائد و تقریب المتباعد شرح شده که در مصر چاپ شده است (مفلح القضاة، مقدمات فی القرائات، ۱۴۲۲ق: ۲۵۵). ملا علی قاری هروی (۱۰۱۴ ق) نیز کتابی با عنوان الهیات السنیة العلمیة علی ابیات الرائیة فی الرسم را در شرح این ابیات نگاشته است. اولین شرحی که در عصر حاضر بر این قصیده نوشته شده است، شرح علامه روسی مسلمان موسی جار الله رستوفدونی (۱۳۶۸ ش) است.

از دیگر کتب منظوم در زمینه رسم الخط می‌توان از کتاب المنصف از ابی الحسن علی بن محمد بلنسی (۵۶۴ ق) نام برد (همان، ۱۹۳).

از دیگر کتب منظوم تأثیرگذار در تصنیفات مربوط به علم الرسم می‌توان از کتاب مورد الظمان فی رسم أحرف القرآن از خراز محمد بن محمد بن إبراهیم اموی شریسی، (۷۱۸ ق) یاد کرد. نظم خراز که در کنار العقیلة توجه و تلاش پژوهشگران را در دوره‌های متأخر به خود جلب کرده است، همان قصیده‌ای است که درباره رسم سروده شده و مورد الظمان فی رسم احرف القرآن نام دارد. ابن عاشر انصاری برای خراز تعدادی کتاب در رسم ذکر کرده که از جمله آنها همین کتاب است. وی نظم دیگری هم از او یاد کرده که عمده البیان نام دارد و کتاب دیگری در رسم به او نسبت داده که مانند «مورد الظمان»، ولی منشور است. خراز نخست قصیده عمده البیان را سروده و در ذیل آن که اکنون به مورد الظمان متصل است، قسمتی را به عنوان «ضبط» بر آن افزوده است (غدوری، ترجمه رسم المصحف، ۱۳۷۶: ۱۶۳). از نظم خراز آن قسمت که به رسم اختصاص داده شده، به نام مورد الظمان شهرت یافته و ذیل آن که مخصوص ضبط است، به نام ضبط الخراز معروف است. خراز در مواردی که قرائت با رسم ارتباط پیدا می‌کند و مطالبی مانند حذف و غیر حذف و اختلاف رسم بعضی از حروف پیش می‌آید، رسم را مطابق با قرائت نافع قرار می‌دهد.

مصادر خراز در این قسمت عمدتاً المقنع ابو عمرو دانی و العقیلة شاطبی و اضافاتی که ابوداود سلیمان بن نجاح در التنزیل آورده است، می‌باشد، به اضافه بعضی از کلماتی که تنها ابوالحسن علی بن محمد مرادی صاحب نظم معروف به المنصف آنها را ذکر کرده است. خراز نظم خود را در سال ۵۶۳ ق کامل نمود؛ بدین ترتیب منظومه خراز (مورد الظمان) جامع تمام

مطالبی است که در منابع مهم رسم ذکر شده و شامل وجه مشهور از وجوه مختلفی است که در این منابع آمده است؛ لذا شایستگی آن را داشت که اساسی قابل اعتماد در رسم مصاحف طبق مصاحف عثمانی باشد (همان، ۱۶۴).

برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جعبری (۷۳۲ ق) همچون شاطبی قصیده لامیه‌ای درباره رسم سروده است که تعداد ابیات آن دویست و هفده بیت است و آن را *روضه الطرائف فی رسم المصاحف* نامیده است. خود وی اشاره کرده به اینکه در این قصیده همان «عقیله» را به نظم در آورده و بعضی از مسائل را بر آن افزوده است. محمد بن خلیل بن عمر قشیری اربلی نیز همانند جعبری قصیده‌ای درباره رسم سروده و آن را *واضحة المبهوم فی علم المرسوم* نامیده است. تعداد ابیات آن ۳۳۲ بیت است. در این بین به مطالبی که بر عقیله افزوده، اشاره کرده است (همان، ۱۶۳).

شروح علما بر مورد *الظمان* بسیار است و طبق گفته ابن عاشر انصاری اولین کسی که آن را شرح کرده، ابو محمد عبدالله بن عمر صنهاجی شاگرد مؤلف است (همان، ۱۶۵). از شروح قصیده مورد *الظمان* می‌توان به کتبی همچون *تنبيه العطشان علی مورد الظمان* از حسین بن علی رجراجی، *تقیید علی مورد الظمان فی رسم از شقرون و هرنانی* (۹۲۹ ق)، *الاعلان بتکمیل مورد الظمان* از عبد الواحد بن احمد بن عاشر (۱۰۴۰ ق) *فتح المنان المروی بمورد الظمان فی رسم القرآن* از ابومحمد عبد الواحد بن عاشر (۱۰۴۰ ق)، *حواشی علی مورد الظمان فی رسم القرآن* از مخللاتی، *تنبيه الخلال علی الاعلان بتکمیل مورد الظمان* از ابراهیم بن احمد مارغنی (۱۳۲۶ ق) اشاره داشت.

معروف‌ترین شرح مورد *الظمان* همان شرح عبدالواحد بن احمد بن علی بن عاشر انصاری می‌باشد که آن را *فتح المنان المروی به مورد الظمان* نامیده است و در مقدمه آن به مصادر خود اشاره نموده است. آن مصادر در برگیرنده قسمت اعظم کتاب‌هایی است که پس از تألیف *المقنع* دانی نوشته شده است (همان، ۱۶۳).

المصباح ارجوزه‌ای در رسم با ۱۳۱ بیت از ابوعبد الله محمد بن صباح است که در سال ۱۲۸۹ ق نگاشته شد. ارجوزه‌ای در رسم المصحف به نام *الواللو المنظوم* از محمد متولی ۱۳۱۳ ق، نیز سروده شد. شرح این کتاب با عنوان *الرحیق المختوم فی شرح اللو اللو المنظوم* از حسن بن حسین بن خلف در سال ۱۳۴۲ در بیروت چاپ شد (اقبال، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۴۵).

۳. شیوه تدوین کتب علم الرسم

با نگاهی به کتب مربوط به علم الرسم دو شیوه اصلی در نگارش این کتب از سوی نویسندگان ملاحظه می‌شود. شیوه نخست بر اساس جمع‌آوری مثال‌های مشابه در موضوع واحد و در فصل معین است و بدین‌گونه از مجموعه فصولی تشکیل یافته که تمام وجوه رسم را در بر می‌گیرد. بهترین مثال برای این روش کتاب *هجاء مصاحف الامصار* تألیف احمد بن عمار و کتاب *البدیع فی هجاء المصاحف* تألیف ابن معاذ جهنی و کتاب *المقنع* تألیف ابو عمرو دانی و نیز *نظم شاطبی*، *جعبری*، *اربلی* و *خراز* در رسم می‌باشد. در این تألیفات فصلی درباره حذف حروف سه گانه الف، واو و یاء آمده و فصلی درباره زیادت این حروف و فصلی درباره تبدیل حرفی به حرفی دیگر و فصلی درباره رسم همزه و فصلی درباره قطع و وصل و فصلی درباره رسم تالیفات که در بعضی از موارد به صورت کشیده آمده است و همچنین راجع به موضوعات دیگر رسم. البته هر یک از این کتاب‌ها در تفصیل مطالب و ترتیب ابواب با دیگری متفاوت است.

شیوه دومی که نویسندگان علم الرسم اتخاذ کرده‌اند آن است که بر اساس سیر مصحف قرآن کریم مطالب خود را از ابتدای سوره حمد آغاز نموده و تا پایان سوره ناس، ذیل هر آیه، مطالبی را که مربوط به علم الرسم آیه است، آورده‌اند. در این روش، مؤلفان در موارد بسیاری مجموع مثال‌های یک ویژگی را هنگامی که به اولین مثال می‌رسند، می‌آورند؛ لذا در اوایل این‌گونه کتاب‌ها نسبت به اواخر آنها مثال‌های بیشتری وجود دارد و به تدریج که مؤلف با آیات و سوره‌ها پیش می‌رود، مثال‌ها کمتر می‌شود و به این اکتفا می‌شود که این ویژگی پیش از این گذشته است. از این‌گونه کتاب‌ها می‌توان کتاب *التنزیل فی هجاء المصاحف* تألیف ابو داود سلیمان بن نجاج را نام برد که آن را از کتاب بزرگ دیگری که به نام *التبیین* نوشته، خلاصه کرده است (ر.ک: غدوری، ترجمه رسم المصحف، ۱۳۷۶: فصل سوم کتاب).

نتیجه

۱. درباره منبع‌شناسی علوم و فنون قرائت و زوایای مختلف آن، کتابی مستقل تألیف نشده است.
۲. منابع مورد نظر با ملاک‌های متعددی قابل تقسیم‌اند که می‌توان آنها را در حداقل ده‌گونه تقسیم‌بندی معرفی نمود.
۳. اعتبار علوم، استقلال منابع، تحلیلی یا وصفی بودن منابع، جایگاه نویسندگان و مؤلفان، مذهب نویسندگان، زمان نگارش، شرح و غیر شرح بودن، موضوع کلی یا جزئی کتب، تبیین اصطلاحات، منظوم یا غیر منظوم بودن از جمله ده ملاک پیشنهادی جهت بررسی کتب علوم و فنون قرائت می‌باشد.
۴. بیشترین تألیفات صورت گرفته در علم الرسم مربوط به قرن پنجم هجری و اوج تألیفات آن توسط ابوعمر و دانی است.
۵. کتب منظوم علم الرسم از جمله دو کتاب *عقیله اتراب القصائد فی اسنی المقاصد* مشهور به *الرائیه فی الرسم* از شاطبی و کتاب *مورد الظمان فی رسم أحرف القرآن* از خراز از جمله تأثیرگذارترین کتب در علم الرسم به شمار می‌آیند.
۶. نویسندگان علم الرسم عمدتاً دو روش را برای تألیف کتب علم الرسم انتخاب نموده‌اند. شیوه نخست، جمع‌آوری مثال‌های مشابه در موضوع واحد و در فصل معین است و بدین‌گونه از مجموعه فصولی تشکیل یافته که تمام وجوه رسم را در بر می‌گیرد. شیوه دوم، تألیف کتاب بر اساس سیر مصحف قرآن کریم است که مطالب خود را از ابتدای سوره حمد تا پایان سوره ناس آغاز نموده و ذیل هر آیه، مطالبی که مربوط به علم الرسم آیه است، آورده می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۳۴ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، غایه النهایه فی طبقات القراء، قاهره: مكتبه الخانجی، ۱۳۵۱ق.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، غایه النهایه فی طبقات القراء، قاهره: مكتبه الخانجی، ۱۳۵۱ق.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملايين، ۱۹۸۸م.
۵. أبو داود سليمان بن نجاح الأندلسی، التبيين لهجاء التنزيل.
۶. اقبال، ابراهیم، فرهنگ نامه علوم قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵.
۷. باز، محمد بن عباس، مباحث فی علم القرائات، القاهرة: دار الكلمة، ۱۴۲۵ق.
۸. ترجمه و شرح قصیده عقیلة اتراب القصاصد فی اسنی المقاصد، تهران: مرکز اسناد مجلس، ۱۳۸۵.
۹. حجتی، محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱ش.
۱۰. الحمد، غانم قدوری، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، قم: اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه جعفر حسینی، تهران: دارالتقلین، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۱۲. دانی، ابو عمر، المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف أهل الأمصار.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد، معرفه القراء الكبار علی الطبقات و الاعصار، استانبول: مركز البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، دانش مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۱۵. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ش.

۱۶. زمخسری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. ستوده‌نیا، محمد رضا، بررسی تطبیقی تجوید و آواشناسی، تهران، رایزن، ۱۳۷۸.
۱۸. سلیمان بن نجاح، ابو داود، مختصر التبیان لهجاء التنزیل، المدینة المنورة: مجمع الملك فهد، ۱۴۲۳ق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۲۰. سیوطی، جلال الدین، طبقات المفسرین، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم: فخر دین، ۱۳۸۰.
۲۲. شافعی حفیان، احمد محمود عبد السمیع، أشهر المصطلحات فی فن الأداء و علم القراءات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۲۳. شکری، محمد احمد؛ احمد خالد، منصور، محمد خالد، مفلح القضاة، مقدمات فی علم القراءات، عمان: دار عمار، ۱۴۲۲ق.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. عبد الفتاح، عبد الغنی القاضی، الوافی فی شرح الشاطبیه، القاهرة: دارالسلام، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق.
۲۷. فضلی، عبد الهادی، تاریخ قراءات قرآن کریم، تهران: اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
۲۸. قدوری الحمد، غانم، رسم المصحف، عمان: دار عمار، ۱۴۲۵.
۲۹. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۳۰. موسوی بلده، محسن، حلیه القرآن سطح دو، تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب، چاپ چهل و یکم، ۱۳۸۵.